

دستور تاریخی (۴)

در این بخش، کاربرد تاریخی نقش نماها را بررسی می‌کنیم:

نشانه‌ی ندا

* در گذشته یکی از نشانه‌های ندا آوردن مصوت (ا) پس از اسم بوده است:
ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

(حافظ)

* از نشانه‌های دیگر ندا نیز «ایا» پیش از اسم بوده است:

ایا شاه محمود کشور گشای ز من گر ترسی بترس از خدای (شاهنامه)

نقش نما – انواع را

در گذشته «را» انواع گوناگون داشته است؛ از آن جمله:

۱) نشانه‌ی فکّ اضافه (اضافه‌ی گسسته) بوده است:

مرازور و فیروزی از داور است نه از پادشاه و نه از لشکر است = زور و فیروزی من...

(شاهنامه)

(سمک عیار)

او را دلارام نام است = نام او ...

(خواجه عبدالله انصاری)

پادشاهی اوراست زببنده = پادشاهی زببنده‌ی اوست

(خواجه عبدالله انصاری)

سلام او در وقت صباح مؤمنان را صبح است.

* در این صورت، اگر گروه اسمی (مضاف و مضاف‌الیه) مفعول بود، آن را بدون

نشانه‌ی «را» به کار می‌برند :

گرگ را برکند سر آن سرفراز تا نباشد دو سری و امتیاز
(مثنوی)
چو خندان شد و چهره شاداب کرد ورا نام تهمینه سهراب کرد
(شاهنامه)

۲) به جای حرف اضافه‌ی «به»، «بر»، «برای» و «از» می‌آمده است :
از: اسکندر رومی را پرسیدند : دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی؟ (گلستان)
حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟ گفت برادر نیز دوست به. (گلستان)
به: همه قصه‌ی خویش موسی را بگفتند. (تاریخ بلعی)
بر: تن بی سرت را که خواهد گریست؟ (شاهنامه)
برای: یکی بفرستیم تا ما را خوردنی آورد. (نصیحة الملوک)
۳) نشانه‌ی مالکیت :

در این کاربرد، همیشه با فعل «بودن» و مشتقات آن می‌آید :
ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟ (مولوی)
مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست. (سعدی)
اگر مردم را با گوهر اصل گوهر هنر نباشد، صحبت هیچ کس را به کار نیاید. (قابوس‌نامه)
کافری را غلامی بود صاحب گوهر. (کشف الاسرار)
* گاهی نیز حرف نشانه‌ی «را» همراه با نشانه‌ی دیگری — که امروزه از میان رفته
(=م) — می‌آمده است :

بی‌هنران مر هنرمند را نتوانند که بینند. (گلستان)
۴) نشانه‌ی قید بوده است :
اگر شب رسی روز را باز گرد بگویش که تنگ اندر آمد نبرد (شاهنامه)
شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد. (گلستان)

نقش نما = حرف اضافه: (متمّم)

* متمّم — که امروز با یک حرف اضافه می‌آید — در گذشته گاهی دو حرف اضافه

می گرفته است :

بگیر و به گیسوی او بر بدوز به نیک اختر و فال گیتی فروز (شاهنامه)
زدش بر زمین بر به کردار شیر بدانست کاو هم نماند به زیر (شاهنامه)
* به جای حرف اضافه‌ی ساده‌ی «برای» در متون گذشته، گاهی حرف اضافه‌ی
مرگب «از برای» می آمده است.

این چه سختی و مشقت است که تو از برای دانه‌ای برخود نهاده‌ای؟
* «که» امروز فقط حرف ربط است اما در گذشته گاهی حرف اضافه نیز بوده است :
به نزدیک من صلح بهتر که جنگ (= از جنگ) (گلستان)
* به جای حروف اضافه‌ی «با»، «بی» و «بر» گاهی «ابا»، «ابی» و «آبر» می آمده است.
جوانیش را خوی بد یار بود ابا بد همیشه به پیکار بود (شاهنامه)
ابر کین آن شاهزاده سوار بکشت از سواران دشمن، هزار (شاهنامه)

حذف

حذف تمام یا بخشی از جمله، نمونه‌های متعدّد و متنوّع دارد؛ از آن جمله :
* حذف یک جمله - که بخشی از یک جمله‌ی مرگب است :
بگو که اگر بیایی و مسلمان شوی |————| و اگر نه، که سپاهی بفرستم سوی شما که
طاقت ایشان ندارید. (ترجمه‌ی تفسیر طبری)
به خواب دید که |————| اگر می‌خواهی که چشم تو بهتر شود، برو رضای شیخ
میهنه بادست آور. (اسرارالتوحید)

* حذف فعل معین به قرینه‌ی لفظی جمله‌ی هم پایه یا ناهم پایه :
اول قصه‌ای که به من دادند، اهل کوفه رفع کرده بودند و از عامل خود شکایت
کرده. |————| (جوامع الحکایات)
هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده. |————|
(گلستان)

* حذف فعل اسنادی به قرینه‌ی معنوی از جمله‌هایی که مسند آن‌ها صفت برتر است :

از گرسنگی مردن، به که به نان فرومایگان سیر شدن.

(قابوس نامه)

* حذف فعل اسنادی از هر دو جمله‌ی هسته و وابسته به قرینه‌ی معنوی :

نه هر که به قامت مهتر |————| به قیمت بهتر |————|. (گلستان)

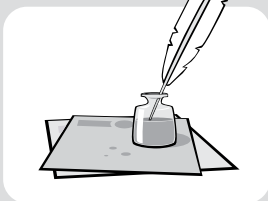
* حذف شناسه

چنان که از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت و ترشیح مخصوص

(کلیله و دمنه)

گشت. [. گشتم]

بیر فروت را از میان کار بیرون آوردند و زمام کار بدو سپرد. [. سپردند] (کلیله و دمنه)



بیاموزیم

به جمله‌های زیر توجه کنید:

خورشید گرفت.

گرفتم که شمار است می‌گویید.

رستم پس از ماجرای سیاوش، انتقام سختی از تورانیان گرفت.

فعل «گرفت» در بربیک از جمله‌های بالا معنا و کاربرد خاصی دارد که

با دیگری کاملاً متفاوت است. باید دانست که کلمه‌ی «گرفت» در بربیک

از کاربردهایش فعل دیگری است و نباید آن را همان فعل پیشین به شمار

آورد.

فعل های دیگری از قبیل زد، کشید، بردنیز در کاربرد های متفاوت تغییر
معنای دهند. برای هر یک از آن ها طبق نمونه های زیر، مثال بیاورید:
برای من مثالی زد که قبول آن مشکل بود.

حرفی زنید که پشیمانی بار نیاورد.

گویا به برد زده بود و تا به مقصود نرسید، دست برنداشت.

برای رسیدن به مقصود، خود را به آب و آتش می زد.

توپ را با شدت به تیردواز زد.

تصویر های بازی کنان را دور تا دور میدان زده بودند.

خود آزمایی

۱) با توجه به آنچه خوانده اید، ویژگی های دستوری متن زیر را بنویسید.

جعفرین ابی طالب به سخن درآمد و گفت: «ای پادشاه، بدان که ما از قومی از اهل جاهلیت بودیم و بتان را می پرستیدیم و مردار همی خوردیم تا خدای بر ما رحمت کرد و از میان قوم، کسی را برانگیخت و او را به رسالت به ما فرستاد. ما را به توحید و عبادت خداوند فرمود و از پرستیدن بتان ما را منع کرد و احکام شریعت ما را

می‌آموخت. آن‌گاه از میان قوم، ما تصدیق‌وی نمودیم و متابعت‌وی می‌کردیم و به دین‌وی درآمدیم و ترک بت‌پرستیدن بکردیم.»

(سیرت رسول‌الله. رفیع‌الدین اسحاق همدانی)

۲) انواع «نقش‌نما» را در جمله‌های زیر پیدا کنید و معانی «را» را بنویسید:
مرا دیگر روز نوبت بود. به دیوان آمدم. استادم به باغ رفت و بوالحسن دلشاد را فرمود تا آن‌جا آمد و بونصر و تنی چند دیگر. و نمازشام را، باز آمد.

یافتم امیر را آن‌جا فرود آمده و اعیان همی‌آمدند. گمان افتاد که مگر این‌جا ثبات خواهد کرد و لشکر را ضبط کرد. و آن را می‌ماندند تا کسانی از اعیان که رسیدنی‌اند، در رسند و آفتاب زرد را، امیر به آب روان رسید. دیگران درآمدند و اسب و سلاح بستند و مردان را دل بشکست. گفتند: «زندگانی خداوند دراز باد، بیش ایستادن را روی نیست.» و این حاجب را از غم، زهره بترقید.

(تاریخ بیهقی)

۳) فرض کنید که می‌خواهید به جای شناسنامه‌ی گم‌شده‌ی خود المثنی بگیرید. یک استشهدانامه‌ی محلی تهیه کنید.

۴) با فعل «بختن» جمله‌هایی بسازید که هر بار معنای فعل در آن جمله‌ها تغییر کند.

ویرایش

خطاهای رایج زبانی

تاکنون مطالبی را درباره‌ی درست نویسی، ویرایش فارسی نویسی و آشنایی با زبان معیار با شما در میان گذاشته‌ایم. اکنون می‌خواهیم ضمن یادآوری برخی از مطالبی که آموخته‌اید، با بیان نکاتی تازه، شما را با شیوه‌های درست نگارش فارسی بیشتر آشنا کنیم.

۱) خطاهای مربوط به کاربرد فعل

□ رودخانه به سرعت می‌رود و مسیر دائمی‌اش را طی خواهد کرد.*

رودخانه به سرعت می‌رود و مسیر دائمی‌اش را طی می‌کند.

در نمونه‌ی اوّل، زمان دو فعل با هم متناسب نیستند.

□ در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را گشودند، خلیفه را برکنار و پسرش را به جای او

نشاندند.

در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را گشودند، خلیفه را برکنار کردند و پسرش را به جای او

نشاندند.

در نمونه‌ی اوّل، فعل بی‌قرینه حذف شده است.

فعالیت ۱

جمله‌ی زیر را ویرایش کنید.

«این مسئله را مطرح و مورد بررسی قرار گرفت».

* توجه: در مثال‌ها، جمله‌هایی که با مریع مشخص شده‌اند نادرست و جمله‌های دیگر درست هستند.

□ یکی از دلایل علاقه‌ی من به موسیقی کلاسیک این است که، شما با شنیدن آن، احساس راحتی می‌کنید.

یکی از دلایل علاقه‌ی من به موسیقی کلاسیک این است که، با شنیدن آن احساس راحتی می‌کنم.

گاهی نهاد فعل به‌طور نابه‌جا تغییر داده می‌شود و، به تبع آن، شخص فعل نیز تغییر می‌کند.

فعالیت ۲

جمله‌ی بالا را به گونه‌ای دیگر ویرایش کنید.

□ چنان که گفته‌آمد اهل عرفان را طریقتی دیگر است.

چنان که گفته شد، اهل عرفان طریقه‌ای دیگر دارند.

کاربرد افعال به شیوه‌ی دستور تاریخی جایز نیست. در درس‌های گذشته با دستور تاریخی و کاربرد آن آشنا شدید.

۲) خطاهای مربوط به کاربرد حروف اضافه

□ به بخش بعدی ملاحظه بفرمایید.

بخش بعدی را ملاحظه بفرمایید.

فعالیت ۳

فکر کنید و دلیل این خطا را بیان کنید.

□ دیدگاه او از دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

دیدگاه او با دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

چنان‌که خواننده‌اید، برخی از فعل‌ها، مسندها، متمم‌ها یا اسم‌ها و صفت‌ها، حرف اضافه‌ی خاص خود را می‌طلبند. پس «متفاوت از» نادرست است و باید گفت: «متفاوت با». هر حرف اضافه، معنی تازه‌ای به یکی از این ارکان می‌بخشد؛ مثلاً: نگرستن به ... به معنی «نگاه کردن به» است و «نگرستن در ...» به معنی «تأمل و تعمق در ...» است.

فعالیت ۴

جمله‌ی زیر را ویرایش کنید.

ادامه و تأکید بر انجام چنین تمرین‌هایی، باعث ورزیدگی در نگارش می‌گردد.

۳) تعبیرهای نامناسب

□ خیلی وقت‌ها دستورالعمل‌های خشک در نگارش به درد نمی‌خورند.
در بسیاری موارد، دستورالعمل‌های خشک در نگارش کاربرد ندارند.
«خیلی وقت‌ها» و «به درد نمی‌خورد» و تعابیری نظیر این‌ها، گفتاری هستند و در نوشته‌ها سعی کنیم از کاربرد آن‌ها بپرهیزیم.

۴) ابهام و کژتابی

مستمره‌ی خودمختار متعلق به سنگاپور (۱) مستمره‌ی خودمختار سنگاپور (۲) خود سنگاپور که مستمره‌ای خودمختار است.
جمله‌ی بالا به دلیل آن که چند معنی از آن استنباط می‌شود، ابهام دارد. ابهام نتیجه‌ی نشان دادن اجزای جمله در جای نامناسب، تتابع اضافات و مشخص نبودن مرجع ضمیر است.

فعالیت ۵

جمله‌ی زیر را ویرایش کنید.
او با برادر همسایه‌اش احمد مسافرت کرد.

۵) جملات دیریاب

□ موضوع ساده‌ای که ممکن است در هر زمانی نگران‌کننده نباشد، وقتی سطح انرژی بدن کاهش می‌یابد، می‌تواند به راحتی شما را عصبانی کند و از کوره به در ببرد. موضوع ساده‌ای که چه‌بسا در مواقع عادی نگران‌کننده نیست، با کاهش میزان انرژی بدن، ممکن است به آسانی باعث عصبانیت شود.

جمله‌ی بلند نخست را با تغییراتی چون جابه‌جایی ارکان آن، حذف حشو و زواید، کوتاه کردن تعبیرات، شکستن جمله‌ها و تبدیل آن‌ها به جملات کوتاه‌تر، بهتر می‌توان دریافت.

۶) درازنویسی

□ در بیشتر موارد، اگر از چسب به حدّ کفایت استفاده نشود یا بیش از حدّ مورد لزوم از چسب استفاده به عمل آید، به صافی و شفافیت کتاب آسیب وارد می‌آید. اگر از چسب کم‌تر یا بیشتر از حدّ معمول استفاده شود، به صافی و شفافیت کتاب آسیب می‌رسد.

فعالیت ۶

جمله‌ی بالا را به گونه‌ای دیگر ویرایش کنید.

۷) تکرار

□ قیمت اجناس و کالاهای اساسی قیمت‌گذاری شده از سوی دولت، در شهرهای مختلف به نسبت‌های مختلف کاهش قیمت داشته است.

قیمت کالاهای اساسی که دولت آن‌ها را نرخ‌گذاری کرده، در شهرها به نسبت‌های گوناگون کاهش یافته است.

در جمله‌ی بالا تکرار کلمه‌های «قیمت» و «مختلف» جمله را دیرپاب و طولانی کرده است.

۸) تأثیر ترجمه

□ این طرح از دو مشکل اساسی رنج می‌برد.

این طرح دچار دو مشکل اساسی است.

ترجمه اگر چه باعث غنی شدن دایره‌ی واژگان، شیوه‌های بیان تازه و به کار افتادن قوه‌ی خلاقیت می‌شود، آثاری منفی چون گزینش برداری را در پی دارد. بنابراین، ضمن شناخت گزینش برداری‌های نادرست، باید از کاربرد آن‌ها پرهیزیم؛ مثلاً: اصطلاحاتی نظیر روی کسی حساب کردن، حمام گرفتن، ریسک کردن و تصویر کسی را داشتن و

واژگان بیگانه نیز در سده‌ی اخیر به فراوانی وارد زبان فارسی شده‌اند. این واژگان، به دو شکل وارد زبان می‌شوند؛ یکی از راه طبیعی و با آهنگ معتدل که در این حالت، واژه‌ی بیگانه از نظر آوایی و آرایش واجی و ساخت هجایی با هنجارهای زبان وام‌گیرنده، هم‌ساز است؛ مثل: پست، تیم، تلفن، اسکناس، بانک و البته گاه به کمک همین واژه‌ها، واژگان تازه‌ای هم می‌سازند: پست‌چی، پست‌کردن، پست‌خانه و

نوع دیگر وام‌گیری همراه با تصنع و تکلف و با آهنگی غیر طبیعی و سیل‌آساست. در این حالت، هجوم واژه‌های بیگانه تجانس زبان را مختل می‌سازد و نیز مانع از آن می‌شود که اهل زبان برابری مناسبی برای آن‌ها بیابند. واژگان بیگانه در این حالت به زبان لطمه وارد می‌کند. وقتی ما برای بیان مفاهیم، واژه‌های بومی متعدّد و مناسبی داریم، لزومی ندارد از معادل بیگانه‌ی آن استفاده کنیم؛ مثلاً: به جای کاراکتر، پرستیژ، پرسنل، سائز، موبایل و ... باید گفت: شخصیت، حیثیت، کارکنان، اندازه، تلفن همراه و

فعالیت ۷

برای هریک از کلمات بیگانه‌ی زیر، معادل‌هایی مناسب پیشنهاد دهید.

کاناپه، فریم، تیراژ، تیترا، ادیت، سوبسید، نگاتیو

۹) نوآوری‌های کاذب

اگر نوآوری به‌جا و مناسب باشد، ستوده است و در غیر این صورت، زبان را نابود می‌کند. از جمله نوآوری‌های کاذب که در آثار قلمی خام‌دستان دیده می‌شود، سره‌نویسی، کهنه‌گرایی، عربی‌مآبی، کاربرد بی‌دلیل واژه‌های فرنگی (که بسیاری از آن‌ها معادل فارسی هم دارند) تکلف‌های علمی و تفنّن‌های شاعرانه است. به این نمونه‌ها توجه کنید:

□ درباره‌ی شیوه‌ی اضافت پس از «ه» نافرآگفته، یا «ی» بیان حرکت، بر پایه‌ی پریسمان‌های نگریک، زبانیک اکنون به نیرو شکل «نامه‌ی» را توصیه می‌کنیم.

درباره‌ی شیوه‌ی افزودن «ی» پس از «ه» بیان حرکت، بر اساس تحقیقات زبانی، اکنون شکل «نامه‌ی» را توصیه می‌کنیم.

در جمله‌ی اول، نویسنده به جای واژه‌های معمول و جاافتاده‌ی فارسی چون «ه» غیرملفوظ، تحقیقات زبانی و قاطعیّت، از واژه‌های نامأنوس نافرآگفته، پریسمان نگریک، زبانیک و به نیرو استفاده کرده است. به این کار «سره‌نویسی» می‌گویند. سره‌نویسی نوعی بیماری زبانی و دهن‌کجی به واقعیت و پیشینه و سنت زبانی است.

□ افرادی من حیث لایشعر، اسقاط و وظیفه می‌نمایند و جمهور ناس باید مقابله‌ی شدیده نمایند.

افرادی نادانسته، در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند که در این صورت، تمامی مردم باید با آنان به تندی برخورد کنند.

در جمله‌ی نخست، خلاف نمونه‌ی قبلی از کلمات عربی و نامأنوس چون من حیث لایشعر، اسقاط، جمهور ناس، مقابله‌ی شدیده استفاده شده است. به‌کارگیری عناصر متروک و زبان باستانی نیز نوعی بیماری است و ما را از زبان معیار دور می‌سازد.

□ روند فزاینده و پرشتاب تورّم اقتصادی، فرآیند کنترل رشد ناهمگون و یک‌وجهی را در پهنه‌ی کشور ناممکن کرده است.

کنترل تورّم اقتصادی به دلیل رشد روزافزون و سریع آن، در سراسر کشور ناممکن شده است.

در جمله‌ی نخست، به دلیل وجود واژه‌هایی چون روند، فزاینده، فرآیند، ناهمگون یک‌وجهی و پهنه دریافت مطلب دشوار شده است. در برخی نوشته‌های علمی، کاربرد اصطلاحات خاص برای بیان دقیق مفاهیم، ضرورت دارد اما در نوشته‌هایی که مخاطبان آن‌ها تمامی مردم هستند، بهتر است از تعابیر روشن و قابل فهم برای همه، بهره بگیریم.

فعالیّت ۸

درباره‌ی علّت نادرستی جملات زیر گفت و گو کنید.

۱۰. خطاهای کاربردی دیگر

- فکر مغشوش خود را به آن چه که می‌بیند، می‌سپارد. (کاربرد نابه‌جای که)
فکر مغشوش خود را به آن چه می‌بیند، می‌سپارد.
- فرار از جناح راست به وسیله‌ی بازیکن خطّ حمله.
فرار بازیکن خطّ حمله از جناح راست.
- هوا ابری هست.
- هوا ابری است.
- اگر چه در این کار زمانی متصوّر نیست اما بهتر است در آن بیشتر تأمل کنی.
- هرچند برای این کار زمانی متصوّر نیست، بهتر است در آن بیشتر تأمل کنی.
- صدای مرا دارید؟
صدای مرا می‌شنوید؟
- هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان شامل این عفو شده‌اند.
- هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان مشمول این عفو شده‌اند.
- عامیانه نویسی یکی از بیماری‌هایی است که مردم مبتلا به آن هستند.
- عامیانه نویسی یکی از بیماری‌هایی است که مردم به آن مبتلا هستند.
- او واقعاً مانند یک غواص عمل می‌کند.

- او واقعاً مانند غواص عمل می کند.
- ما از این کار خوشنود می باشیم.
 - ما از این کار خوشنود هستیم.
 - انتهای برنامه را مزین می کنیم به فرازی از بزرگان دین.
 - برنامه را با سخنی از بزرگان دین ختم می کنیم.
 - (فراز به معنی اوج درست است)
 - موادّ زاید از طیف وسیعی برخوردارند.
 - موادّ زاید انواع بسیار دارند.
 - ما حرف اوّل را در کشتی جهانی می زنیم.
 - ما در کشتی جهان، مقام اوّل را داریم.

یادآوری

نکات نگارشی و ویرایشی زبان فارسی سال اوّل و دوم را مرور می کنیم تا بتوانیم نوشته های خود را بهتر اصلاح و ویرایش کنیم.

الف) ویرایش فنی

- ۱) کاربرد درست همزه : سائل ← سائل
 - ۲) جدا نوشتن کلمات مرکبی که سرهم نوشتن آنها موجب بدخوانی می شود : حاصلضرب ← حاصل ضرب
 - ۳) کامل نوشتن عبارت های دعایی یا نوشتن آنها با نشانه ی اختصاری : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم یا پیامبر (ص)
 - ۴) استفاده ی درست از «ی» میانجی : سبویّ آب ← سبوی آب
 - ۵) تمایز میان «ه» و «و» بیان حرکت و حرف های «ه» و «و» : رادیّ ← رادیو / خان ← خانه
 - ۶) توجه به املای کلمات هم آوا و کاربرد آنها : اساس و اثاث – خوار و خار
 - ۷) کاربرد «ی» میانجی بزرگ به جای «ه» هنگامی که مضاف به مصوّت ختم می شود.
- مدرسه بزرگ ← مدرسه ی بزرگ

۸) رعایت علایم نگارشی در زبان فارسی : نقطه (.) - ویرگول (،) - دو نقطه (:). - علامت سؤال (?) - علامت تعجب (!) - گیومه (») - نقطه ویرگول (;) - خط فاصله (-). - سه نقطه (...) - قلاب ([]) - کمانک (()) - ممیز (/) - ستاره (*) - پیکان (←) - ایضاً (=) - آکلاد ({}). - تساوی (=). هریک از این علایم در جمله کاربرد خاصی دارند.

۹) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «اء»: انشاء ← انشا/ صفاء ← صفا
ب) ویرایش زبانی

۱) پرهیز از کاربرد شکل گفتاری جز در نوشته‌ی متناسب با نوع آن : میون بیابون ← میان بیابان

۲) پرهیز از مطابقت موصوف و صفت در فارسی : خانم مدیره‌ی محترمه ← خانم مدیر محترم

۳) پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیرعربی : زبانا ← زبانی / تلفناً ← تلفنی

۴) پرهیز از جمع بستن جمع‌های عربی با نشانه‌های فارسی : اخلاق‌ها ← اخلاق

۵) خودداری از افزودن «تر» به صفت‌های تفضیلی عربی : اعلم‌تر ← اعلم

۶) رعایت کوتاهی جملات

۷) پرهیز از تکلف کلامی و بیان عبارت‌های فضل‌فروشانه

۸) پرهیز از کاربرد عبارت‌های زاید و بی‌نقش، تکیه کلام‌ها، تکرار فعل‌ها و ...

۹) پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت‌های دستوری کهن : از جای بشد ← عصبانی شد.

۱۰) کاربرد برابره‌های مناسب فارسی به جای کلمات غیر فارسی : علی کلّ حال

← در هر حال / سیستم ← نظام

۱۱) پرهیز از کاربرد دو کلمه‌ی پرسشی در جملات پرسشی : آیا چگونه ← چگونه

۱۲) کاربرد درست تکیه کلام «به قول معروف»: «به قول معروف خسته شدم» که

«خسته شدم» قول معروف نیست.

۱۳) پرهیز از کاربرد «برعلیه» و «برله» به جای علیه و له

۱۴) کاربرد نادرست «را»ی نشانه‌ی مفعول پس از فعل : کفشی که خریده بودی را پسندیدم ← کفشی را که خریده بودی، پسندیدم.

۱۵) مطابقت نهاد با فعل : هم من رفتم هم او ← هم من رفتم هم او رفت.

۱۶) پرهیز از حشو : سوابق گذشته، فینال آخر، حُسن خوبی و ← گذشته، آخر، خوبی.

۱۷) جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی جایز نیست : بازرسین ← بازرسان ← گزارشات ← گزارش‌ها ← آزمایشات ← آزمایش‌ها.

۱۸) حذف درست فعل به قرینه : سارق را دستگیر و به زندان بردند ← سارق را دستگیر کردند و به زندان بردند.

۱۹) کاربرد «با» و «برای» به جای «به وسیله‌ی» و «به منظور» : به وسیله‌ی پست ← با پست

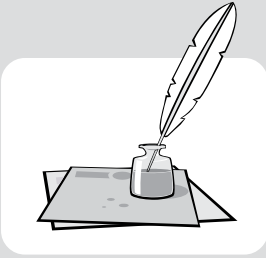
۲۰) به کار بردن فعل با حرف اضافه‌ی خاص آن : بردن از، باختن به، ترسیدن از
۲۱) پرهیز از کاربرد فعل مجهول با نهاد : گلستان توسط سعدی نوشته شد ← سعدی گلستان را نوشت.

۲۲) پرهیز از کاربرد «یت» با کلمات فارسی : دوئیّت ← دوگانگی

۲۳) کلمه‌ی «برخوردار» در جایی به کار می‌رود که نتیجه‌ی مثبت و مفید داشته باشد. این بیمار از ضعف برخوردار است ← این بیمار ضعیف است.

۲۴) برجسته کردن تضاد بین اجزای جمله به کمک «و» مابینت یا استبعاد : مسلمان و دروغ!

۲۵) پرهیز از کاربرد عباراتی که ابهام و کژتابی دارند : دو خواهر و برادر حافظ کلّ قرآن شدند.



بیاموزیم

به تلفظ کلمات زیر توجه کنید:

تاکسی، رادیو، کلاس، پاس

دستگاه گفتار ما فارسی زبانان چنین کلماتی را عیناً پذیرفته و آن‌ها را مطابق با ویژگی‌های آوایی زبان فارسی تغییر داده است. یک نفر انگلیسی زبان کلمات بالارا تَکسی (taxi)، رِی دیو (radio)، کَلَس (class)، و پَاس (pass) تلفظ می‌کند. ولی ما مصوت /r/ را در این کلمات به /r/ تبدیل کرده ایم.

بنابراین اگر یک نفر فارسی زبان کلمات بالارا به تقلید از یک نفر انگلیسی زبان با مصوت /r/ تلفظ کند از فارسی «معیار» فاصله گرفته است چند مثال دیگر:

فاکس، رنالیسم، کلاس، فلاش، فلاکس، کامپیوتر. بررسی کنید این کلمات را غربی‌ها چگونه تلفظ می‌کنند.

خودآزمایی

۱) جمله‌های زیر را ویرایش کنید.

- این موضوع در جلسه‌ی امروز مطرح و مغایر اهداف شرکت تشخیص داده شد.
- دروازه‌بان توپ را برای مدافع کناری واگذار کرد.
- برنامه‌ای که از سمع و نظر گرامیتان گذشت را با هم نقد و بررسی می‌کنیم.
- حسن به برادرش گفت که مقاله‌اش منتشر شد.
- زندگی دانشمندان باید، ضمن آن‌که به دست اهل فن نوشته شود، مورد دقت قرار گیرد.
- تیم مقابل از ده بازیکن خود مورد استفاده قرار داد و در فینال نهایی این بازی را به سود خود پایان داد.
- روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی می‌باشد که در این روش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.
- می‌رفتیم که دومین گل را از حریف دریافت کنیم.
- در هفته‌های اخیر، تجارت جهانی رونق بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند.
- این کودک از کم‌خونی قابل توجهی برخوردار است.